

ضرورت توسعه روابط خارجی بر مبنای منافع ملی

مهدی مدبر

سفر هفته گذشته رئیس جمهور غنی به هند سفر پر دستاورد خوانده شده است. امروز نیز، معاون دوم ریاست جمهوری در راس هیئتی برای اشتراک در اجلاس مجمع عمومی سازمان ملل متحد به امریکا سفر خواهد نمود، که توضیح روابط خارجی افغانستان و دیدارها با سران کشورهای مختلف در حاشیه اجلاس بخش مهمی از این سفر خواهد بود.

استحکام روابط خارجی یکی از ضرورت های حکومت افغانستان است. در گذشته حکومت افغانستان در این راستا از ثبات سیاسی برخوردار نبوده است و روابط خارجی کشور همواره متزلزل بوده است. اما اکنون نیز نگرانی های در مورد سیاست خارجی افغانستان وجود دارد و نیاز است که حکومت وحدت ملی در سیاست خارجی خود این نگرانی ها را نیز در نظر بگیرد.

رئیس جمهور غنی در اولین سخنرانی اش به حین رئیس جمهور، سیاست خارجی اش را در چند حلقه ی مختلف تعریف کرد. اولین حلقه ی سیاست خارجی رئیس جمهور را، حلقه ی همسایه های افغانستان تشکیل می داد، اما با گذشت نزدیک به دو سال از عمر حکومت وحدت ملی، هنوز افغانستان در سیاست خارجی خود با همسایه های با مشکل مواجه است.

اما اکنون به نظر می رسد که افغانستان گزینه ی دیگری را روی دست گرفته است و تلاش دارد تا خود را به هند بیشتر از پاکستان نزدیک سازد. این نزدیکی هرچند تا کنون توانسته است که کمک های زیادی در بخش های اقتصادی و نظامی برای افغانستان به همراه داشته باشد، اما از سوی دیگر باعث شده است که حکومت پاکستان حساسیت بیشتری نشان دهد و نگرانی خود را ابراز کند. اما آنچه که نیاز اکنون کشور است و منافع ملی کشور ایجاب می کند، تعادل در سیاست خارجی است. در نظر گرفتن تعادل در سیاست خارجی باید یکی اولویت های حکومت افغانستان باشد و با این رویکرد به توسعه ی روابط خود بپردازد. حکومت وحدت ملی باید بتواند در عین حالی که کمک های از متحدان و دوستان استراتژیک خود دریافت می کند، نگرانی های همسایه های خود را در بخش های امنیتی و سیاسی بر طرف سازد و اعتماد هر دو طرف را به دست بیاورد.

عدم توازن و تعادل در سیاست خارجی، نه تنها باعث کاهش مشکلات کشور نخواهد شد، بلکه تنش های زیادی را ایجاد خواهد کرد و باعث خواهد شد که کشور تبدیل به صحنه ی جنگ نیابتی گردد. در واقع منافع ملی کشور ایجاب می کند که حکومت وحدت ملی در سیاست خارجی خود، تعادل را در نظر بگیرد. حکومت وحدت ملی باید سیاست خارجی اش را به گونه ی طراحی بکند که بتواند از همه ی گزینه های موجود استفاده ی درست و مسالمت آمیز نماید و منافع ملی و خدمت جنگ را یکی از اولویت های سیاستش قرار دهد.

اما اکنون روشن نیست که آیا حکومت وحدت ملی می تواند در سیاست خارجی خود، میان یک دوست و متحد استراتژیک و یک همسایه ی در به دیوارش، تعادل ایجاد کند و اعتماد هر دو طرف را به دست بیاورد و نگرانی های شان را بر طرف سازد؟

حکومت وحدت ملی باید با تعریف واضح و روشن منافع ملی کشور، سیاست خارجی خود را بر اساس منافع ملی کشور گسترش بدهد. توسعه ی سیاست خارجی بر اساس منافع ملی، هم قابل دفاع است و هم عملی. در این زمینه حکومت می تواند راهبردهای مشخصی را برای گسترش روابط خارجی خود طرح کند و بر محور آنها روابط خود با سایر کشورها را شکل دهد. تعریف سیاست خارجی بر مبنای منافع ملی، می تواند نگرانی ها از گسترش روابط خارجی افغانستان را کاهش دهد و در بهبود وضعیت سیاسی و امنیتی کشور، کمک کند.

رهبران حکومت وحدت ملی باید عواقب سیاست خارجی شان را بر وضعیت امنیتی و سیاسی داخل کشور نیز در نظر بگیرند و با توجه به همه ی نگرانی ها، برای گسترش روابط خارجی خود بر مبنای منافع ملی، گام های موثر را بردارند.

از «تروریسم» چه وقت باید سخن به میان آورد؟

قسمت دوم



از پیش جدی بر سر راه، مؤثر بودن نسبی مجازات روا داشته را خود مفهوم تروریسم بر می سازد. نخست از آنرو که قلمرو پدیده تروریسم را بی انتها، و مشخصا تا ارتکاب جرم هایی می گسترانند، که مدعی اند همانند جنایات شبکیه های سازمان یافته کثیر می دهند، در حالی که در حقیقت امر اینگونه جرم ها به هیچ رو از حقیقت امر دستنهادنی نیستند. از سرشت آن دسته از جنایات نیستند. سپس، در تعارضی آشکار، این کثیر خود سهمی در تقویت نمادین همان چیزی ادا می کند که با توسل به تنبیه، ادعای نبرد با آن را دارند.

هر گاه آنچه گنجانند یک عمل در مقوله تروریسم را روا می دارد، در عزم واقعی یا فرضی مرتکب جرمی به قصد برهم زدن خشن نظم عمومی، موضوع قوانین عادی، جای داشته باشد، همین توصیف می تواند بالقوه در مورد وضعیت های بسیار متعدد دیگری نیز به کار رود. در گستره ای که قوه قضائیه به خصوص در معرض فشارهای سیاسی ای رسانه ای است، لغزش از آیین دادرسی حقوق عمومی به آیین دادرسی تروریستی می تواند بر عناصر ظریفی بنیاد یابد. رویداد ساده فردی که مرتکب جرمی شده که کثیر آن در فهرست مفاد ۱- ۴۲۱ آیین دادرسی کفایت مقرر است - یعنی مثلا سرعت یا خشونت های عمدی - تعلق خاطر به یک ایدئولوژی که تروریستی انگاشته شود، حتی فلسفه یا مذهب نشأت گرفته از آن، می تواند برای در انداختن مرتکب جرم به رژیم استثنائی بسنده باشد.

آخرین اصلاحات به وخامت باز هم بیشتر این گرایش انجام میدهد. بدینگونه، قانون مورخ ۱۳ نوامبر ۲۰۱۴ ارتکاب غریب جرم

سیاسی اتهام تبهکاری برزند. مشخصه چنین اتهامی اثبات وجود جرم های واقعی است. گریم خودسرانه و خامتی خاص را به آن نسبت داده باشند، و نه مانند بعضی کشورهای دیگر که صرف فعالیت های ساده ای را اشتباهیانه می انگارند (۹). دلایل برداشت در فرانسه برعکس از فرم کهن مقاومت در برابر استقرار موثر الگوی کبیری نظام جمهوری بسر می خیزد که واکنشی به سبک «نیاباری» به چشم می آید: یعنی همان عذر «وختام».

به عبارت دیگر، تکیه بر اهمیت اختلال در نظم جامعه که از ارتکاب جرم و هیجان و احساسات پس از آن بوجود می آید، برای توجیه تقلیل کمابیش با اهمیت تناسب میان جرم و مجازات از یک سو و تضمین های حقوقی برای مجرم از سوی دیگر است. به این معنی، تغییرات پیاپی بیش از پیش شتابان قوانین که از سی سال پیش شاهد بوده ایم از عزم برگشته ساختن خطر تروریستی در توجیه رشد گزاف امتیازات مقامات سرکوب گر بیشتر نشان دارد تا تمایلی به تدقیق تنبیهات کبیری. این گرایش در اقدام به باز پرسى هایی به ویژه آسیب رسان به آزادی ها نمود می یابد که بدون ضرورت نشان دادن وجود یک شبکیه جنایتکار، اکتفا و برگشته ساختن نیت فرضی فرد را به «ارتاب» کافی می دانند. همین رویکرد است که به نظمی سرکوبگر و تزیینی هم در قلمرو قضایی (۱۰) و هم از چشم انداز اداری (۱۱) می انجامد.

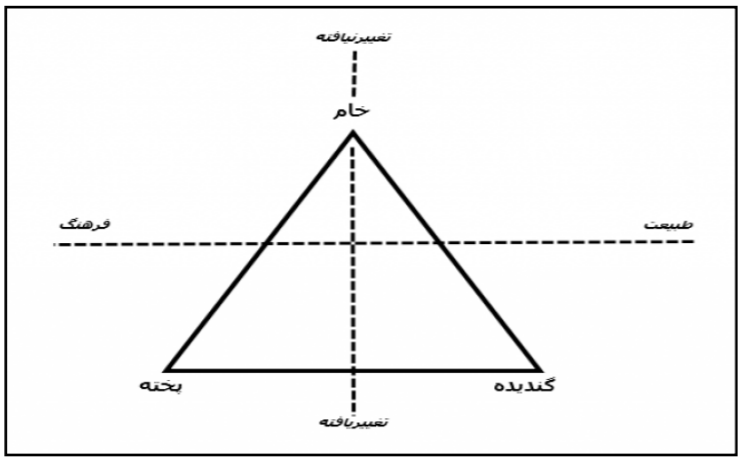
سازمان های جنایتکار میتدل اینکه پاسخ کفیری که امروز به جرم های موسوم به تروریستی می دهند عمیقا تا کار آمد باشد، بلکه به رغم دام های بیش

کار است، ادر جریان جنگ جهانی دوم و لشکرکشی آلمان نهضت مقاومت فرانسه به خراب کاری، تخریب اموال و قتل نظامیان آلمان یا شبه نظامیان دست می یازد تا با ارتاب یا ترور نظام عمومی را با هدف پایان بخشیدن به اشغال کشور بر هم زند. به این عنوان، رژیم «ویشی» به پیگرد این اقدامات چون اعمال تروریستی می پرداخت (۸). امروزه بر حق بودن این اقدامات در چشم اندازی تاریخی است که زدن برجسب پدیده مجرمانه بسه جای بهمان جرم دیگر به کار می گیرد. بدینسان، از چشم انداز صرف قضایی، چیزی توجیه گر آن نیست که این نامگذاری به جای مورد کامیون رانانی که دست به تخریب روشنند ایستگاه های بازرسی می زنند، فقط به سو قصد با مواد منفجره به دست جنبشی خواستار خودمختاری منطقه ای محدود گردد، هر دو را می توان عملی مغل نظم عمومی به قصد ارتاب قدرت های فرمانروا تحلیل کرد. به همین سبب، در وضعیت کنونی قوانین مجوز سرکوبی، چیزی مانع از آن نیست که حکومتی که چندان نگران حقانیت دموکراتیک خود نباشد، برای پیگرد فلان یا بهمان جنبش سندیکایی یا سیاسی، اتهام «مشارکت در دار و دسته تبه کاران تروریست» را بکار گیرد.

محقق دانستن سرکوبی در مصر حتی به فرض آنکه افراد بدون هیچ ابهامی به گردن گیرند که عزم و اراده برهم زدن خشن نظم مستقر را داشته اند، تفسیر و تعبیر دلخواه اعمال خشونت بر جرمی ماند، زیرا صرف نظر از واقعی بودن یا نبودن خشونت، انگ تروریسم همچون ابزاری به قصد بی اعتبار کردن مخالفان سیاسی و جنایتکار جلوه دادن آنان نیز همواره در

دیدگاه های انسان شناختی درباره غذا

لین هارباتل برگردان امیر صیاد / قسمت دوم و پایانی



اما شاید دیدگاه های هریس ۱۹، انسان شناس آمریکایی، سرسختانه ترین مطالعات در مقابل ساختارگرایان باشد. او با به کار گرفتن دیدگاه های زیست جامعه شناسی و بوم شناسی، تمامی رفتارها و عادات غذایی را ناشی از انگیزه ها و علل فیزیولوژیکی می داند. به عقیده ی او، هر گونه عنصر نمادین در رابطه با غذا، تنها و تنها باید با توجه به عوامل تغذیه ای، زیست محیطی و اقتصادی تفسیر شود. بر این اساس، جهت گیری های گوناگون ملل مختلف در رابطه با مثلا خوردن گوشت حیوانات مختلف، برخاسته از اختلاف دیدگاه های فرهنگی آنان نیست؛ بلکه برخاسته از فرآیند و نیازهای های متفاوت متابولیک این مردم در نقاط گوناگون جهان است. این رویکرد بیش از همه تاثیر خود را در حوزه انسان شناسی تغذیه بر جای گذاشت. اما فراتر از آن راه به جایی نبرد. با این حال می توان گفت ادعای او در یک

تحلیل ماده گرایانه: بسیاری از انسان شناسان و جامعه شناسان دریافته اند که تمرکز بر وجه نمادین غذا، باعث بی توجهی به مقوله ی دسترسی و دستیابی به غذا و همینطور نادیده گرفته شدن تاثیرات سیاسی و اقتصادی بر این مقوله ی مهم شده است. ماده گرایان و توسعه گرایان این عوامل را دستمایه ی تحلیل خود قرار داده و بدین وسیله بر روی تغییرات در حوزه غذا حاصل از عوامل اجتماعی و سیاسی، تحقیق می کنند. آنها همچنین معتقدند که بررسی این عوامل در گذشته، به فهم بهتر کارکرد آنها در زمان حال و آینده نیز کمک خواهد کرد. مثلا میتز در ۱۴ چندین مطالعه، نشان داده است که چطور رویدادهای تاریخی، اقتصادی و سیاسی می توانند منجر به اهمیت یا عدم اهمیت مواد غذایی خاصی شوند. مثلا در شبرینی قدرت (۱۹۸۵) جایگاه شکر را در بیست سال اخیر بررسی می کند و تاثیر عوامل مختلف را در اهمیت یافتن (یا نیافتن) این ماده ی غذایی مورد مطالعه قرار می دهد. یا مثلا میتز ۱۶، جامعه شناسی که به شدت تحت تاثیر مطالعه ی الیاس ۱۷ بود، در مطالعه ی خود نشان داد که چطور عوامل اجتماعی می توانند در شکل دهی و تعدیل انتخاب های غذایی و تحول و تکامل آسپزی تاثیر داشته باشند. او در کتاب تمام آداب غذا (۱۹۸۵) ی خود ذائقه ی مردم انگلستان و فرانسه و چگونگی تحول و تکامل این ذائقه ها را از قرون وسطی تا امروز بررسی می کند و نشان می دهد که چطور تغییر ساختار سیاسی (از جوامع فنودال به جوامع مدرن) بر الگوهای مصرف غذا تاثیر گذاشت.

و ارتباط آن با هویت، ارزش نمادین غذا را به قدری مهم می شمارد که می توان از آن به عنوان ابزاری برای ابراز هویت فردی و جامعه استفاده کرد. او پیوند عمیق میان غذا و شخصیت را بررسی کرده و عنوان می کند که با خوردن هر غذایی علاوه بر جذب مواد غذایی لازم برای ادامه ی زیست، خواص ایدئولوژیکی مخصوص به آن غذا هم جذب بدن می شود و در نتیجه «ما آنچه می شویم که می خوریم.» رابطه ی غذا و هویت جنسیتی و همچنین غذا و هویت ملی از دیگر مباحثی است که در سال های اخیر توسط انسان شناسان مورد مطالعه و بررسی قرار گرفته است. یادداشت:

1. Lynn Harbottle
2. Murcott
3. Beardworth & Keil
4. Caplan
5. Functionalism
6. Radcliff-Brown
7. Andaman جزیره ای بین خلیج بنگال و میانمار و بخشی از جزایر آندامان و نیوکور هند
8. Malinowski
9. Trobriand جزیره ای در شرق گینه نو
10. Richard
11. Bimba قومی از نژاد بنتو در زامبیا
12. Lévi-Strauss
13. Mary Douglas
14. Mintz
15. Sweetness and Power
16. Menell
17. Elias
18. All Manners of Food
19. Harris
20. Fischler

روزنامه افغانستان ما از همه دانشمندان و نویسندگان دعوت به همکاری می نماید. هیئت تحریر در ویرایش مطالب دست باز دارد. مقالات وارده بازگردانده نمی شود. مسئولیت مقالات به عهده نویسندگان آنها است و تنها سرمقاله یانگردد دیدگاه روزنامه افغانستان میباشد.

www.dailyafghanistan.com
Email: thedailyafghanistan@yahoo.com



- بنیان گذار: دکتر حسین یاسا
- مدیر مسول: محمد رضا هویدا
- سردبیر: حفیظ الله زکی
- کارکنان: خالق علی زاده

دو زبان: علی اصغر زاهدی، مصطفی جعفری
مسئول وب سایت: غلام عباس اصلان

آدرس: کابل، شهرک امید سبز، فاز چهار، کوچه ششم، خانه نمبر ۱۳۷

افغانستان
The Daily Afghanistan Ma
Outlook
AFGHANISTAN
The Leading Independent Magazine